

ORIGINAL ARTICLE

Investigating the Obstacles to Operationalizing the Philosophy Education Program for Children and Explaining the Solutions to Realize It

Abbas Mohammadi^{*1} , Mohammad Reza Sarmadi² , Mehran Farajollahi³ 

1- Phd students Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2- Professor of Educational Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3-Professor, Department of Educational Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence:

Abbas Mohammadi

Email: abbas-mohammadi@pgs.usb.ac.ir

Receive Date: 21/Oct/2025

Revise Date: 29/Nov/2025

Accept Date: 01/Feb/2026

Publish Date: 21/Mar/2026

How to cite:

Mohammadi, A. Sarmadi, M.A. Farajollahi, M (2026). Investigating the Obstacles to Operationalizing the Philosophy Education Program for Children and Explaining the Solutions to Realize It. *Technology and Scholarship in Education*, 6 (1), 20, 147-163. <https://doi.org/10.30473/t-edu.2026.77164.1398>

ABSTRACT

The purpose of this study was to investigate the obstacles to implementing the Philosophy for Children (PFC) program in Iran and to explain the strategies for its implementation. 1- What are the obstacles and solutions to implementing the FBC program in Iran? The statistical population of the study consisted of all experts in the field of philosophy for children, education, university professors, and education managers in Iran. Using a purposive sampling method and observing the theoretical saturation criterion, a sample of 30 people (including philosophy for children experts, education experts, field and university professors, and education managers) in the year 202 was selected. The research method was qualitative and qualitative content analysis. To collect data, content analysis of documents (including Lippman's works, scientific articles, and upstream education documents) and semi-structured interview tools were used. The validity of the interview tool was ensured through content review by 12 experts and alignment with theoretical foundations, and its reliability was confirmed by the agreement method between coders and review by 12 participants. The interview data were analyzed using thematic analysis. The findings showed that operationalizing the FBEC program in Iran requires attention to three levels: principles and policies (including policy conflicts), strategies, and operational implementation, taking into account limitations. The study concluded that the FBEC program is feasible with intelligent localization and reform of educational infrastructure. The findings are useful for both the academic community (developing a local theoretical framework) and policymakers and teachers (providing practical guidance). It is suggested that a national strategic document for the FBEC be developed with broad stakeholder participation and its pilot implementation in selected schools with documented monitoring be considered.

KEYWORDS

Philosophy Program for Children, Obstacles, Solutions, Localization.



«مقاله پژوهشی»

بررسی موانع پیش روی عملیاتی نمودن برنامه آموزش فلسفه به کودکان و تبیین راهکارهای تحقق آن

عباس محمدی^۱، محمدرضا سرمدی^۲، مهران فرج الهی^۱ 

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی موانع اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان (فبک) در ایران و تبیین راهکارهای تحقق آن بود. سوال پژوهش عبارت بود از: ۱- موانع و راهکارهای اجرای برنامه فبک در ایران کدامند؟ جامعه آماری پژوهش را کلیه متخصصان حوزه فلسفه برای کودکان، تعلیم و تربیت، اساتید دانشگاه و مدیران آموزش و پرورش در ایران تشکیل دادند. با بهره گیری از روش نمونه گیری هدفمند و با رعایت معیار اشباع نظری، نمونه ای متشکل از ۳۰ نفر (شامل متخصصان فلسفه برای کودکان، متخصصان تعلیم و تربیت و اساتید حوزه و دانشگاه و مدیران آموزش و پرورش) در سال ۱۴۰۳ انتخاب شدند. روش تحقیق، کیفی و از نوع تحلیل محتوای کیفی بود. برای گردآوری داده ها از تحلیل محتوای اسناد (شامل آثار لیپمن، مقالات علمی و اسناد بالادستی آموزش و پرورش) و ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. روایی ابزار مصاحبه از طریق بازبینی محتوا توسط ۱۲ متخصص و تطبیق با مبانی نظری تأمین گردید و پایایی آن نیز با روش توافق بین کدگذاران و بازبینی توسط ۱۲ نفر از مشارکت کنندگان تأیید شد. داده های مصاحبه با روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. یافته ها نشان داد عملیاتی سازی برنامه فبک در ایران مستلزم توجه به سه سطح اصول و خط مشی ها (شامل تعارض در سیاست ها)، راهبردها و اجرای عملیاتی با در نظرگیری محدودیت هاست. این مطالعه نتیجه گرفت که برنامه فبک با بومی سازی هوشمندانه و اصلاح زیرساخت های آموزشی قابلیت اجرا دارد. یافته ها هم برای جامعه دانشگاهی (تدوین چارچوب نظری بومی) و هم برای سیاست گذاران و معلمان (ارائه راهنمای عملی) کاربرد دارد. پیشنهاد می شود سند راهبردی ملی فبک با مشارکت گسترده ذی نفعان تدوین و اجرای آزمایشی آن در مدارس منتخب با نظارت مستند مدنظر قرار گیرد.

واژه های کلیدی

برنامه فلسفه برای کودکان، موانع، راهکارها، بومی سازی.

- ۱- دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- ۲- استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- ۳- استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

عباس محمدی

ایمانامه: abbas-mohammadi@pgs.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

استناد به این مقاله:

محمدی، عباس؛ سرمدی، محمدرضا و فرج الهی، مهران. (۱۴۰۵). بررسی موانع پیش روی عملیاتی نمودن برنامه آموزش فلسفه به کودکان و تبیین راهکارهای تحقق آن، فصلنامه علمی فناوری و دانش پژوهی در تعلیم و تربیت، ۶(۱)، ۲۰-۱۶۳. <https://doi.org/10.30473/t-edu.2026.77164.1398>

[10.30473/t-edu.2026.77164.1398](https://doi.org/10.30473/t-edu.2026.77164.1398)



مقدمه

تربیت انسان فرهیخته و تعمیق عقلانیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت، از اهداف کلیدی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است (سند تحول بنیادین، ۲۰۱۲). در عصر حاضر، نظام‌های آموزشی با چالش‌های متعددی در زمینه تربیت نسل آینده مواجه هستند. از یک سو، جهانی‌شدن و گسترش ارتباطات، موجب انتقال ایده‌ها و برنامه‌های آموزشی مختلف شده است و از سوی دیگر، هر جامعه‌ای می‌کوشد تا این برنامه‌ها را با ارزش‌ها و مبانی فرهنگی-دینی خود هماهنگ سازد. تفکر انتقادی نه تنها یک مهارت ضروری، بلکه ابزاری اساسی برای تصمیم‌گیری آگاهانه، حل مسائل پیچیده و تحلیل داده‌ها محسوب می‌شود (احمدی حاجی، هادی پور و عقیلی، ۱۴۰۴). برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) به‌عنوان یک رویکرد آموزشی نوین، نخستین بار توسط متیو لیپمن در دهه ۱۹۷۰ با هدف پرورش تفکر مستقل در کودکان مطرح شد (Daniel, 2021). این برنامه با تأکید بر پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاق و مراقبتی، هدف نهایی خود را تربیت شهروندانی مستقل و اندیشمند قرار داده است (Lipman, 2003) و با استقبال بسیاری از نظام‌های تربیتی جهانی روبرو شده است. روش کلیدی این برنامه، دیالوگ فلسفی سقراطی است که از طریق پرسش و پاسخ ساختاریافته، به شکل‌دهی تفکر پیچیده، تقویت استدلال، خردورزی، خلاقیت و تعامل اجتماعی اثربخش در کودکان می‌انجامد (اکورینتی، ۲۰۰۷ به نقل از فرمهینی فراهانی، ۲۰۱۴). شواهد بین‌المللی از تأثیر مثبت این برنامه در پرورش مهارت‌های فکری کودکان در بیش از ۵۰ کشور حکایت دارد (فیشر، ۱۹۹۸، به نقل از مرعشی و همکاران، ۲۰۰۷) با این حال، مطالعات اخیر تأکید می‌کنند که اجرای فبک در بسترهای فرهنگی مختلف نیازمند بازنگری و تطبیق با ارزش‌های محلی است (Gregory & Laverty, 2021). در این راستا، پژوهش‌های انجام‌شده در برخی کشورهای اسلامی نیز حاکی از ظرفیت‌های قابل توجه این برنامه برای تلفیق با مبانی تربیت اسلامی است (Alhashmi & Bakali, 2023).

با وجود استقبال نظری از برنامه فلسفه برای کودکان در محافل علمی ایران و اشاره به ظرفیت‌های آن در اسناد تحولی، این برنامه تاکنون به شکل نظام‌مند و رسمی در نظام آموزشی کشور اجرایی نشده است. پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر تبیین مبانی نظری فبک یا بررسی تطبیقی آن با تربیت اسلامی متمرکز بوده‌اند. اما درخصوص موانع عینی و اجرایی که مانع از تبدیل این ظرفیت‌های نظری به یک برنامه درسی عملیاتی در مدارس ایران می‌شوند، مطالعه جامع و مبتنی بر دیدگاه ذی‌نفعان کلیدی صورت نگرفته است. این شکاف میان نظر و عمل، مسئله اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد.

پرسش محوری این است که چه موانع ساختاری، راهبردی و عملیاتی، اجرای برنامه فبک را در بافت آموزشی ایران با چالش مواجه می‌سازد؟ و برای فائق آمدن بر این موانع و تحقق یک الگوی اجرایی بومی، چه راهکارهایی را می‌توان پیشنهاد داد؟ پاسخ به این پرسش‌ها از آن جهت ضروری است که عدم شناسایی این موانع، هرگونه حرکت به سمت بومی‌سازی و اجرا را با خطر شکست یا انحراف مواجه خواهد ساخت. بنابراین، این پژوهش در پی شناسایی نظام‌مند موانع اجرای فبک از منظر متخصصان و مدیران مرتبط و سپس تبیین راهکارهای عملیاتی و زمینه‌مند برای تبدیل آن به یک برنامه اجرایی سازگار با شرایط ایران است.

برنامه فلسفه برای کودکان از برنامه‌های آموزشی است که توسط متیو لیپمن طراحی شده است و در آن اصلی‌ترین فعالیتی که به یادگیری منجر می‌شود، گفت‌وگو (دیالکتیک) است. این برنامه، این امکان را به وجود می‌آورد تا کودکان و نوجوانان به افکار پیچیده خود شکل دهند، از این طریق، استدلال، تفکر انتقادی، خلاقیت و نوع‌دوستی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. (اکورینتی، ۲۰۰۸، به نقل از فرمهینی فراهانی، ۲۰۱۴: ۲). کودکانی که به دانش فلسفی مجهز می‌شوند، جهان را با نگاهی نو و متفاوت از دیگر کودکان نظاره می‌کنند و صاحب ایده‌ها و نظراتی هستند که دیگر کودکان فاقد آن هستند (Shepherd & Mhlana, 2014, p 3). لیپمن هدف اصلی فلسفه برای کودکان را تقویت تفکر مستقل در کودکان ذکر می‌کند (لیپمن، ۱۹۸۰).

کودکان دارای عناصری همچون: «حلقه کندوکاو ۵»، «کتب داستان» و «مربیان با نقش متفاوت»، می‌باشد.

عوامل آموزش این برنامه کودکان و مربی هستند. کودکان اصلی‌ترین عامل در آموزش به شیوه فلسفه برای کودکان به حساب می‌آیند. مربی نیز به‌عنوان عامل هدایت‌کننده و تسهیل‌گر در آموزش، دارای نقش، وظایف و ویژگی‌های خاصی است (ستاری، ۲۰۲۳).

محتوای فلسفه برای کودکان به طور سنتی عبارت است از داستان‌های فکری و فلسفی (ستاری، ۲۰۲۳).

روش فلسفه برای کودکان بر خواندن، پرسش‌وپاسخ، گفت‌وگو و خردورزی استوار است (ستاری، ۲۰۲۳).

اجتماع پژوهشی مهم‌ترین عنصر اجرایی فلسفه برای کودکان است. ارزشیابی در روش آموزش فلسفه به کودکان، از تمام مراحل آموزش انجام می‌شود. به‌طوری‌که شامل اقدامات پیش از آموزش، حین آموزش و بعد از آموزش و کلیه عناصر و مؤلفه‌های آموزش می‌شود. (ستاری، ۲۰۲۳).

برنامه فلسفه برای کودکان (P4C) به‌عنوان یک رویکرد آموزشی نوین، در سال‌های اخیر موردتوجه پژوهشگران حوزه تعلیم‌وتربیت قرار گرفته است. این برنامه با تأکید بر پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت و توانایی حل مسئله، سعی در ایجاد تحولی اساسی در نظام آموزشی دارد. در ایران نیز پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده که عمدتاً بر بومی‌سازی برنامه، تأثیرات آن بر مهارت‌های شناختی و عاطفی کودکان، و چالش‌های اجرایی آن متمرکز هستند.

در سطح بین‌المللی نیز، برنامه فلسفه برای کودکان (P4C) به‌عنوان یک پارادایم آموزشی تحول‌آفرین در دو دهه اخیر موردتوجه پژوهشگران قرار گرفته است. مطالعات متعددی اثربخشی این برنامه را در پرورش مهارت‌های تفکر سطح بالا، بهبود عملکرد تحصیلی و تقویت شایستگی‌های اجتماعی - عاطفی موردتأیید قرار داده‌اند.

لیپمن در روش آموزش فلسفه به کودکان از تلفیق چند اندیشه فلسفی و نظریه یادگیری در روان‌شناسی استفاده کرده است. در بعد فلسفه، لیپمن روش دیالکتیک فلسفی سقراط را که در آن پرسش‌وپاسخ محور فعالیت عقلانی و فلسفی را تشکیل می‌دهد، انتخاب کرده و به دنبال تجهیزکردن کودکان به مهارت تفکر انتقادی و خلاق است. وی از این طریق همانند سقراط به دنبال آن است که تفکرات ناب، صریح و شفاف را از تفکرات غلط و ناخالص کودکان پاک کند و به کودکان قضاوت صحیح را بیاموزد. در روش آموزش فلسفه برای کودکان، لیپمن در انتخاب روش حل مسئله به جان دیویی در فلسفه عمل‌گرایی نزدیک شده است و قویاً از مواضع عمل‌گرایانه دیویی در حل مسائل عینی و تجربی زندگی در جریان یادگیری مدرسه‌ای دفاع می‌کند (لیپمن، ۱۹۹۳).

اهداف برنامه آموزش فلسفه به کودکان، لیپمن فلسفه را گفت‌وگوی آمیخته با تفکر به‌حساب می‌آورد که در اثر گفت‌وگوی مسئولانه کودکان با یکدیگر، زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها غنا می‌یابد و تسهیل می‌گردد؛ لذا هدف کلی برنامه آموزش فلسفه به کودکان، یادگرفتن «چگونگی تفکر به‌وسیله کودکان» است (ستاری، ۲۰۲۳).

اهداف فرعی برنامه فلسفه برای کودکان از دیدگاه لیپمن شامل:

تقویت قوه استدلال، تقویت و رشد خلاقیت، رشد و توسعه فردی و بین‌فردی، توسعه درک اخلاقی^۱، توسعه توانایی معنابابی در تجربه^۲ شامل: کشف جایگزین‌ها^۳، بی‌طرفی^۴، وصول به علل باورهای مطرح شده، جامعیت، درک موقعیت، درک ارتباط مابین جزء و کل (لیپمن، ۱۹۸۰).

عناصر اصلی تشکیل‌دهنده آموزش برنامه فلسفه برای کودکان عبارت‌اند از: اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی. البته اجتماع پژوهشی، داستان‌های فکری و کتاب راهنمای آموزش نیز از عناصر تکمیلی هستند (ستاری، ۲۰۲۳). برنامه فلسفه برای

۴ Community of Inquiry

۱ Development of Ethical Undretaning

۲ Development of the Ability to Find Meaning in

۳ Experience

ماهری؛ عراقیه، قائدی و مهدی‌زاده (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «شناسایی چالش‌های آموزش فلسفه برای کودکان از نظر مربیان پیش‌دبستانی» چالش‌های اداری و ساختاری منجر به عدم‌پذیرش برنامه آموزش فلسفه به کودک در برنامه درسی رسمی شده است.

منصور خوشخوئی و عطا ازنب در سال (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تفکر فلسفی در سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که در سند برنامه درسی ملی، نگاهی نامتوازن و ناهماهنگ به مؤلفه‌های تفکر فلسفی شده است.

محسن فرمهینی فراهانی؛ محمدحسن میرزامحمدی و اسماعیل خارستانی در سال (۱۳۸۷) در پژوهشی با موضوع «تبیین تطبیقی اهداف آموزش فلسفه به کودکان در کشورهای مختلف»، به این نتیجه دست یافتند که در تمامی کشورهای موردبررسی، پرورش تفکر از اهداف اصلی این برنامه محسوب می‌گردد.

وونگ و چپو (۲۰۲۳) در تحقیقی با عنوان «تأثیر گفتگوی فلسفی بر خلاقیت در سنگاپور» به این نتیجه رسیدند که گفت‌وگوهای فلسفی باعث رشد ۳۰ درصدی در شاخص‌های خلاقیت و تفکر واگرا گردیده است.

لون (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی بازسازی در فلسفه برای کودکان» به تبیین اثرات بعضی از تغییرات و تجدد در مفاهیم و مباحث فیک اقدام کرده است.

حفیظه ذوالکفلی و روسنی هاشم (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر فلسفه برای کودکان (P4C) در بهبود تفکر انتقادی در کلاس آموزش اخلاق متوسطه» به این نتیجه رسیدند که کاربرد فیک منجر به بهبود تفکر انتقادی و ایجاد فضای پرسشگری فعال در کلاس درس می‌شود.

اکتاوین گروینیو^۱ در سال (۲۰۱۲) در تحقیقی با نام «فلسفه برای کودکان، ابزاری ایده‌آل برای تحریک مهارت‌های تفکر» به تبیین نقش برنامه آموزش فلسفه به کودکان در شکل‌گیری و پرورش تفکر فلسفی می‌پردازد. او در این تحقیق به تشریح

معارفوند و صادقی (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «شناسایی موانع اجرای آموزش‌های فنی و مهارتی در دوره ابتدائی و ارائه راهکارهایی برای آن» به بررسی موانع اجرای آموزش‌های فنی و مهارتی در دوره ابتدائی پرداخته‌اند و ۶ چالش اصلی و ۴ راهکار را شناسایی و معرفی نموده‌اند.

مریم نعلبندی امیری (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «چالش‌ها و فرصت‌های نوآوری در نظام آموزشی ایران و راهکارهای بهبود آن» به این نتیجه دست‌یافت که اجرای نوآوری‌های آموزشی در ایران با موانع متعددی همچون محدودیت‌های زیرساختی، مقاومت فرهنگی، کمبود منابع مالی، و عدم آمادگی معلمان برای به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس می‌شود.

شهری؛ ایزان و حشمتی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان و مهارت‌های فراشناخت بر افزایش سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان طلاق» به این نتیجه دست یافتند که برنامه فیک بر بهبود عملکرد تحصیلی و افزایش سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان طلاق مؤثر بوده است.

محمدپور (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان «طراحی الگوی P4C برای کشورهای اسلامی» به ارائه چارچوبی با چهار مؤلفه اصلی: عقلانیت، اخلاق، گفت‌وگو و خلاقیت مبتنی بر قرآن پرداخته است.

ناجی؛ غلامعلی و احتسابی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی امکان و نحوه استفاده از مضامین نهج البلاغه در برنامه آموزشی «فلسفه برای کودکان»» به این نتیجه رسیدند که مضامین نهج البلاغه با اهداف داستان فکری همسو و هماهنگ است.

خلیلی و نوروزی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تبیین مبانی فلسفه برای کودکان با تأکید بر آموزه‌های تربیتی اسلام و ارائه الگوی اجرایی» چارچوبی مفهومی ترکیبی از اصول P4C با مفاهیم اسلامی مانند "تعقل"، "مشورت" و "حسن تفکر" ارائه داده‌اند.

^۱Octavian Gruioniu

نحوه آموزش فلسفه به کودکان در پرورش مهارت‌های تفکر فلسفی در دوره نوجوانی می‌پردازد.

با بررسی پیشینه تحقیق به این نتیجه می‌رسیم که پژوهش‌های انجام‌گرفته چه در داخل کشور و چه خارج از کشور، نشان‌دهنده میزان اهمیت و اثرگذاری برنامه فلسفه برای کودکان بر پرورش، رشد و تقویت مهارت‌های استدلال، تفکر انتقادی، خلاقیت و... است.

ذكر چند نکته در اینجا ضروری به نظر می‌رسد. اول آنکه برنامه فلسفه برای کودکان، برنامه‌ای است که بر کتب داستان تأکید دارد. از سوی دیگر لیپمن و همکارانش داستان‌ها را بر اساس آیین، سنن، فرهنگ و رسوم، طراحی و تدوین نموده‌اند؛ لذا در صورت استفاده از برنامه مذکور در سیستم آموزشی ایران، می‌بایست این برنامه را بر اساس آداب و رسوم و فرهنگ کشور بومی نمود. در این زمینه کارهای خوبی صورت گرفته اما کافی نبوده است. دومین نکته اینکه برنامه فبک دارای مبانی ویژه‌ای بوده که برگرفته از نظریات و اندیشه‌های فلسفی است و اگر جهت بومی نمودن این برنامه در کشورمان، پیش‌فرض‌ها و مبانی برنامه فبک تغییر اساسی یابد، این برنامه شکل دیگری به خود خواهد گرفت؛ بنابراین می‌بایست متخصصان برنامه فبک در کشور این مهم را مدنظر قرار دهند و اصول و مبانی مشترک مابین برنامه فبک و مبانی نظام تعلیم و تربیت اسلامی را در جهت طراحی و تدوین برنامه بومی فبک در دستور کار خویش قرار دهند. از سوی دیگر نیز می‌بایست چالش‌های پیش‌روی اجرایی و عملیاتی نمودن برنامه فبک در کشور شناسایی و راهکارهایی جهت برون‌رفت از این موانع و چالش‌ها در دستور کار قرار گیرد که در پژوهش حاضر سعی شده است که این موارد را موردبررسی و تبیین قرار دهد.

سؤالات پژوهش

۱- موانع ساختاری - سیاستی پیش‌روی عملیاتی نمودن برنامه فلسفه برای کودکان در ایران کدامند؟

۲- موانع راهبردی اجرای فبک در ایران کدامند؟

۳- چه موانع اجرایی در پیاده سازی و عملیاتی نمودن برنامه فبک در ایران وجود دارد؟

۴- راهکارهای تحقق برنامه ی فلسفه برای کودکان در کشور ایران چیست؟

روش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر نوع داده، کیفی؛ از نظر زمان گردآوری داده‌ها، مقطعی؛ و از نظر طرح تحقیق، مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی و تحلیل مضمون بود. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل: (۱) مطالعه اسناد و تحلیل محتوا (شامل کتاب‌های لیپمن (بنیان‌گذار برنامه فلسفه برای کودکان)، مقالات علمی-پژوهشی مرتبط، و اسناد تحولی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و (۲) مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود.

جامعه آماری پژوهش را کلیه متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی، متخصصان فلسفه برای کودکان، اساتید حوزه و دانشگاه، و مدیران ارشد آموزش و پرورش با سابقه فعالیت و تخصص در این حوزه تشکیل دادند. با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع (Flick, 2014/1393, as cited in Khadiwi & Seyd-Kalan, 2022/1401) و با رعایت معیارهای دسترسی‌پذیری و غنای اطلاعاتی، نمونه‌ای متشکل از ۳۰ نفر انتخاب شدند. ترکیب نمونه به شرح زیر بود: ۱۰ نفر متخصص فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۰ نفر متخصص برنامه فلسفه برای کودکان (فبک)، و ۱۰ نفر از اساتید حوزه و دانشگاه و مدیران آموزش و پرورش. فرآیند نمونه‌گیری تا حصول اشباع نظری ادامه یافت.

ابزار اصلی پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که سؤالات آن بر اساس مبانی نظری و اهداف تحقیق طراحی گردید. برای تعیین روایی (اعتبار) محتوایی ابزار، نسخه اولیه راهنمای مصاحبه پس از طراحی، در اختیار ۱۲ تن از صاحب‌نظران متخصص در حوزه‌های فلسفه تعلیم و تربیت، برنامه فبک، و روش تحقیق کیفی قرار گرفت. برای افزایش اعتبار درونی داده‌های مصاحبه از روش بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان (Member Checking) استفاده شد، بدین صورت که خلاصه‌ای از مضامین استخراج‌شده جهت تأیید نهایی در اختیار ۱۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. پایایی (قابلیت اطمینان) فرآیند تحلیل نیز از طریق بازبینی هم‌تا (Peer Review) و توافق بین کدگذاران تأمین گردید.

پس از اخذ رضایت آگاهانه، مصاحبه‌ها در محل مورد توافق با مشارکت‌کنندگان انجام، ضبط و سپس پیاده‌سازی شدند. مدت مصاحبه‌ها بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه متغیر بود. داده‌های متنی حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون در شش گام براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) به صورت دستی تحلیل شدند. این مراحل شامل: (۱) آشنایی عمیق با داده‌ها، (۲) تولید کدهای اولیه، (۳) جست‌وجوی مضامین، (۴) بازبینی مضامین، (۵) تعریف و نامگذاری مضامین، و (۶) تهیه گزارش نهایی بود.

یافته‌ها

برای شناسایی جامع موانع و چالش‌های اجرای برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) در ایران، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۳۰ نفر از متخصصان با استفاده از روش تحلیل مضمون (براون و کلارک، ۲۰۰۶) مورد تحلیل قرار گرفت.

پس از پیاده‌سازی و آشنایی عمیق با متون مصاحبه‌ها، فرآیند کدگذاری در سه مرحله انجام شد: در مرحله کدگذاری باز، بیش از ۱۲۰ کد اولیه معنادار از داده‌ها استخراج گردید. در مرحله بعد جهت جلوگیری از پراکندگی، کدهای مشابه و موازی حذف و تعدادی با یکدیگر ترکیب شد. در ادامه، در کدگذاری محوری، این کدهای اولیه بر اساس تشابه مفهومی و ارتباط درونی، در قالب ۱۵ مضمون فرعی دسته‌بندی شدند. نهایتاً در مرحله کدگذاری انتخابی و با نگاهی کل‌نگر، مضامین فرعی ذیل ۳ مضمون اصلی (تم) کلان سازماندهی نهایی شدند که چارچوب جامع چالش‌های اجرای فبک را شکل می‌دهند. این مضامین اصلی عبارتند بودند از:

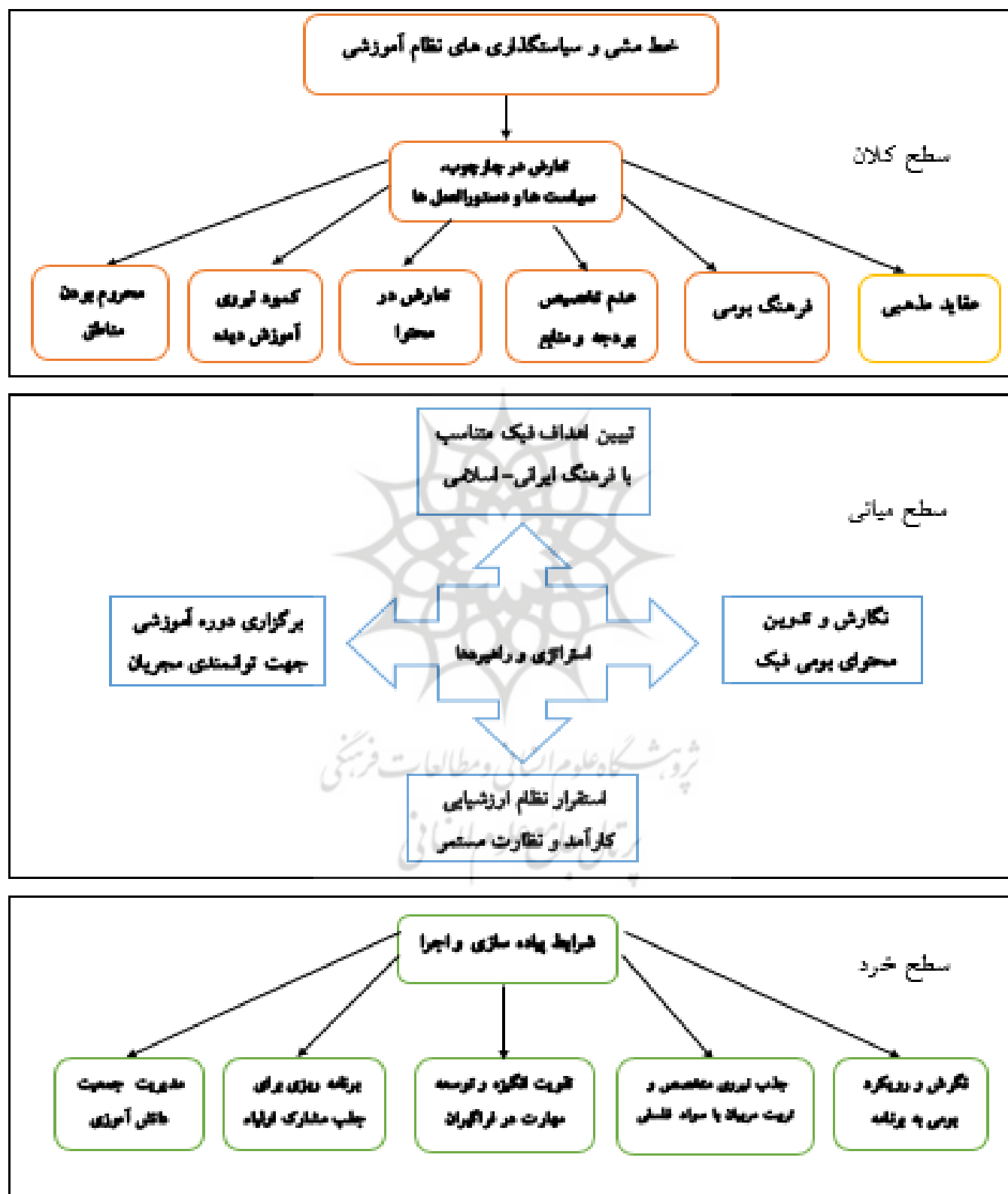
۱. موانع کلان: خطامشی‌گذاری و سیاست‌های حاکمیتی

۲. موانع میانی: استراتژی و راهبردهای برنامه‌ریزی و مدیریتی

۳. موانع خرد: اجرا و پیاده‌سازی

روایی (اعتبار) تحلیل از طریق بازبینی مضامین استخراج‌شده توسط ۱۲ نفر از مشارکت‌کنندگان در پژوهش (Member Check) و استاد راهنما که منجر به تأیید نهایی و ایجاد اجماع حول مضامین شد، تضمین شد.

نمودار شماره ۱. موانع پیش روی اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در ایران



پاسخ به سؤال ۱ پژوهش: موانع ساختاری - سیاستی پیش روی عملیاتی نمودن برنامه فلسفه برای کودکان در ایران کدامند؟

سطح نخست: اصول، خطمشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در نظام آموزشی

سطح تعارض در چارچوب، سیاست و دستورالعمل‌ها

حیطه مذکور مشتمل بر شش زیر سطح عقاید مذهبی، فرهنگ بومی، تعارض در محتوا، تعداد کم نیروهای متخصص فیک، کمبود بودجه و منابع و نبود شرایط و امکانات مناسب در مناطق محروم است.

باوجود اینکه برنامه فیک در سال ۱۳۷۳ در بنیاد حکمت اسلامی صدرا مورد توجه قرار گرفت و اجرایی شد، اما متأسفانه تاکنون در آموزش و پرورش کشور اجرایی و عملیاتی نشده است که جای بسی تأمل دارد. طبق مصاحبه‌های انجام گرفته با متخصصان، اکثریت آنان چالش‌ها و تعارضات در اصول، سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها را از مهم‌ترین عوامل و موانع پیاده‌سازی و اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در ایران دانسته‌اند. در ادامه صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان در این زمینه ارائه گردیده است:

مصاحبه‌شونده شماره ۱ عنوان داشت: "علی رغم اینکه پژوهش و تحقیقات زیادی اثرات برنامه فیک را در پرورش مهارت‌های یادگیرندگان تأیید نموده اند، اما کاربست این برنامه در آموزش و پرورش ایران با توفیق زیادی همراه نبوده است که یکی از دلایل عدم اجرای برنامه مذکور، عدم انطباق ویژگی‌ها و شرایط برنامه فیک با اعتقادات مذهبی و فرهنگ بومی جامعه ماست به گونه ای که محتوای داستان‌های مورد استفاده در این برنامه مناسب کشورهای غربی بوده و با عقاید مذهبی و دینی کشور ما مغایرت دارد."

بیشتر مصاحبه‌شوندگان (شامل مصاحبه‌شوندگان ۳، ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۷ و ۲۸)، مسائل و ویژگی‌های فرهنگی و بومی و همچنین نبود محتوای متناسب با عناصر مذهبی و دینی را از چالش‌های اجرای فیک در ایران می‌دانند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ بیان داشت: "عدم تربیت نیروی آموزش دیده و متخصص فیک و مغایرت برنامه‌های درسی رسمی

آموزش و پرورش با محتوای برنامه فلسفه برای کودکان، از چالش اساسی در پیاده سازی این برنامه محسوب می گردد."

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان (شامل مصاحبه‌شوندگان ۱، ۳، ۴، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ و ۲۶)، چالش‌هایی همچون تعداد کم نیروی آموزش دیده و مغایرت محتوای برنامه فیک با برنامه‌های درسی نظام آموزشی ایران را موانعی بر سر اجرای برنامه فیک در ایران می‌دانند.

مصاحبه‌شونده شماره ۲۹ بیان کرد: "عدم توازن و توزیع ناهمگن بودجه، منابع، امکانات و شرایط آموزشی و نیروی انسانی آموزش دیده در مناطق و نواحی کشور و محروم ماندن برخی مناطق روستایی و حاشیه‌ای، اجرای برنامه فیک را با معضل جدی روبرو کرده است."

بنابراین طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت با توجه به تعارض در چارچوب، سیاست و دستورالعمل‌ها در سطح کلان کشور، می‌تواند که دست‌اندرکاران نظام آموزشی کشور در برنامه‌ریزی‌های خود در سطوح بالادستی، بازنگری اساسی داشته باشند و شرایط و ضوابط لازم جهت اجرای برنامه مؤثر و کاربردی فیک را مهیا نمایند.

پاسخ به سؤال ۲ پژوهش: موانع راهبردی اجرای فیک در ایران کدامند؟

سطح دوم: استراتژی و راهکارها

حیطه شرایط راهبری و توانمندسازی

سطح استراتژی و راهکارها مشتمل بر چهار زیر سطح؛ تبیین هدف‌های برنامه فلسفه برای کودکان و جلب اعتماد و استقبال عمومی، نگارش و تدوین محتوای بومی فیک، برگزاری دوره‌های آموزشی جهت تربیت نیروی متخصص فیک، استقرار نظام ارزیابی و ارزشیابی کارآمد در برنامه فلسفه برای کودکان می‌باشد. جهت اجرای موفق برنامه فیک، جلب اعتماد و استقبال عمومی از استلزامات است که می‌بایست اهداف این برنامه به روشنی تبیین گردد. این در صورتی است که متأسفانه برنامه فیک با وجود کسب رضایت متخصصین، هنوز نتوانسته اعتماد لازم را جهت اجرا در آموزش و پرورش و سطح مدارس به دست آورد.

در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۵ اظهار داشت: "یکی از راه‌های جلب اعتماد والدین و عوامل مدرسه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و آشنایی والدین با اهداف برنامه فلسفه برای کودکان در جهت استحکام پیوند و ارتباط والدین با مدرسه است."

مصاحبه‌شونده شماره ۷ معتقد بود: "محتوای کتاب‌های درسی حاضر با اهداف برنامه در تناقض می‌باشد و محتوای بومی و متناسب با فرهنگ جامعه اسلامی تولید نشده که بتوان جهت اجرای برنامه فیک به کار برد."

همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۲۲ بیان داشت: "اکثر مربیان و معلمان مدارس با هدف‌های برنامه فیک آشنا نبوده و با رویکرد سابق به آموزش دانش‌آموزان و پرورش و تقویت حافظه‌ی آنان می‌پردازند."

بیشتر مصاحبه‌شوندگان (شامل مصاحبه‌شوندگان ۱، ۲، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۸ و ۲۹) بر سر این مسئله که می‌بایست به تبیین و تشریح اهداف برنامه فیک برای اولیاء و مربیان پرداخت تا اعتمادسازی لازم انجام پذیرد و همچنین تغییر و به‌روز رسانی رویکرد، روش و شیوه‌های آموزش و تولید محتوای متناسب با فرهنگ کشورمان از الزامات است، توافق نظر داشتند.

مصاحبه‌شونده شماره ۳ اظهار نمود: "ارزشیابی‌های مدارس نیازمند بازنگری است و می‌بایست متناسب با اهداف و راهبردهای برنامه فیک متحول گردد. بنابراین با بکارگیری نظام ارزشیابی کارآمد که مبتنی بر فرایندمحوری و کاربست ابزار و فناوری‌های پیشرفته ارزشیابی است، می‌توان شرایط و زمینه مقتضی برای ارزشیابی در جهت پیاده‌سازی برنامه فیک در آموزش و پرورش را مهیا نمود."

مصاحبه‌شوندگان به چالش‌های مهمی در حیطه راهبردی جهت اجرای برنامه فیک اشاره نمودند که این چالش‌ها معضل جدی در راستای تحقق برنامه فیک محسوب می‌گردد و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و اصولی توسط برنامه‌ریزان آموزشی است تا اهداف مدنظر محقق گردد.

پاسخ به سؤال ۳ پژوهش: چه موانع اجرایی در پیاده‌سازی و عملیاتی نمودن برنامه فیک در ایران وجود دارد؟

سطح سوم: پیاده‌سازی، اجرایی و عملیاتی نمودن حیطه ضوابط و شرایط اجرایی و عملیاتی برنامه فیک در آموزش و پرورش

این حیطه مشتمل بر پنج زیرسطح: کمبود مربیان باسواد فلسفی، جمعیت بالای دانش‌آموزی، نگاه بومی به برنامه فیک، تقویت و توسعه انگیزه و مهارت‌های یادگیرندگان و مهیا نمودن اولیا جهت همیاری با مجریان می‌باشد.

در این مورد مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ اذعان نمود: "با توجه به اینکه اکثر کلاس‌های درس دارای جمعیت بالای سی نفر می‌باشند و حتی بعضی از کلاس‌ها جمعیت بالای چهل نفر دارند که اجرایی نمودن برنامه فیک و پرورش قوای عقلانی فراگیران را با مشکل مواجه می‌کند."

همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان داشت: "برنامه فیک جهت پرورش استدلال، خردورزی و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان در محیط و کلاس‌هایی با جمعیت حداکثر ۱۵ تا ۲۰ نفره قابلیت اجرا دارد که متأسفانه در مدارس ما چنین شرایطی فراهم نیست."

مصاحبه‌شونده شماره ۱۶ عنوان داشت: "با توجه به اینکه تعداد زیادی از مربیان فاقد سواد فلسفی هستند و در مواجهه با پرسش‌های فلسفی فراگیران، با چالش مواجه می‌شوند، لازم و ضروری است که جهت اجرای برنامه فیک، به آموزش مربیان و توانمند نمودن آنان پرداخت."

مصاحبه‌شونده شماره ۲۱ گفت: "در اجرای برنامه فلسفه برای کودکان می‌بایست شرایط منطقه‌ای و فرهنگ بومی فراگیران را در نظر داشت و محتوایی را به رشته نگارش در آورد که با فرهنگ بومی فراگیران سازگار و منطبق باشد."

مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ به این نکته اشاره داشت: "در اجرای برنامه فیک، تعامل والدین و مدرسه تأثیر بسزایی دارد به گونه‌ای که این مهم در تقویت انگیزه شاگردان، پرورش مهارت‌های آموزشی و زندگی اجتماعی آنان و ارتقای سطح دانش و نگرش دانش‌آموزان نقش مؤثری دارد."

مصاحبه‌شونده شماره ۲ اظهار نمود: "با توجه به اینکه در سیستم آموزشی کشور ما پرورش مهارت‌هایی همچون تفکر انتقادی،

آموزی و نداشتن سواد فلسفی لازم در مربیان، عدم استقبال اولیاء از برنامه فیک و عدم ارتباط والدین با مدرسه، بومی سازی فیک در کشور و توانمندسازی فراگیران را از چالش های اساسی اجرای فیک در ایران می‌دانند.

طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان، این سه سطح به‌صورت زنجیره‌ای به‌هم پیوسته‌اند. رفع موانع سطح کلان (سیاستی)، شرط لازم برای تدوین راهبردهای مناسب (سطح میانی) است و تنها در این صورت است که اجرای عملیاتی (سطح خرد) با موفقیت ممکن خواهد شد. فقدان هر یک از این حلقه‌ها، کل فرآیند اجرا را با شکست مواجه می‌کند.

در جدول زیر مقوله‌های محوری اصلی، حیطه‌های چالش، مقولات فرعی و کدهای باز در هر سه سطح در معرض نمایش گذاشته شده است.

حل مسئله، استدلال و خردورزی و مهارت های زندگی جایگاه و اهمیت بسیاری دارد و از سوی دیگر در تحقیقات بسیاری ثابت شده است که برنامه فلسفه برای کودکان باعث پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی، خودکارآمدی و خودیادگیری، پرورش مهارت استدلال و حل مسئله و... در دانش آموزان می‌شود؛ بنابراین می‌بایست این برنامه مؤثر و کاربردی را در کشور اجرایی و عملیاتی کرد."

مصاحبه‌شونده شماره ۲۳ اذعان نمود: "برنامه فیک در پرورش و توسعه مهارت هایی همچون حل مسئله، قدرت «نه گفتن»، کنترل خشم، تقویت مسئولیت پذیری و تعامل اجتماعی، تفکر انتقادی مؤثر است."

بیشتر مصاحبه‌شوندگان (شامل مصاحبه‌شوندگان ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۰) موانعی همچون تراکم جمعیتی بالای دانش



جدول ۱. تعارضات و موانع پیاده سازی برنامه فلسفه برای کودکان در ایران

مقوله‌های (محوری اصلی)	حیطه چالش‌ها	مقوله‌های فرعی	تکرار در مصاحبه	کدهای باز
اصول، خط‌مشی و سیاست‌گذاری‌های نظام آموزشی	تعارض در چارچوب، سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها	عقاید مذهبی	۲۵	ارزش‌های مذهبی، نگاه شعارگونه به برنامه فیک، عدم اعتقاد به نتایج برنامه فیک، باورهای دینی - اعتقادی
		فرهنگ بومی	۲۳	تأکید بر تدریس سنتی، شرایط نامناسب بومی، سطح آموزش نابرابر در مناطق کشور
		تعارض در محتوا	۲۲	کمبود محتوای بومی مناسب و متنوع در حوزه فیک، داستان‌های غربی در تعارض با فرهنگ بومی، عدم تأکید بر محتوای بومی
		تعداد کم نیروی آموزش‌دیده	۲۰	کمبود معلمان متخصص فیک در نظام آموزشی، نداشتن تجربه کافی در حوزه فیک، عدم استقبال معلمان از فیک
		محروم بودن مناطق	۱۸	محروم بودن مناطق روستایی و حاشیه شهرها، توزیع ناهمگن آموزش در نواحی و مناطق، چالش‌های شناختی
		کمبود بودجه و منابع	۱۶	توزیع ناعادلانه بودجه و منابع در مناطق
		جلب‌اعتماد و تبیین اهداف فیک	۲۴	جلب‌اعتماد نسبت به نتایج فیک، عدم اعتماد نهادهای سیاست‌گذار در آپ به برنامه فیک، ناهماهنگی فلسفی و فکری، تعارضات مفهومی فیک، شناساندن اهداف فیک
استراتژی و راهکارها	شرایط راهبری و توانمندسازی	نگارش و تدوین محتوای بومی فیک	۲۶	تولید و ارائه محتوای بومی فیک، تأمین محتوای موردنیاز فیک، تولید و تأمین ابزارهای مناسب در حوزه فیک
		آموزش و توانمندی مربیان فیک	۲۲	برگزاری دوره‌های آموزشی جهت توانمندی معلمان، به‌کارگیری روش‌های نوین یاددهی و یادگیری، برقراری ارتباط بین اهداف فیک با هدف‌های تعلیم‌وتربیت اسلامی
		استقرار نظام ارزیابی و ارزشیابی کارآمد فیک	۱۵	طراحی، تولید و استقرار نظام ارزیابی و ارزشیابی کارآمد فیک، اجرای ارزشیابی در تمام مراحل اجرای فیک، تولید سازوکار مناسب مبتنی بر فناوری جهت ارزشیابی از فیک
		جمعیت بالای دانش‌آموزی	۲۸	تراکم جمعیتی بالا در کلاس‌ها، چپش نامناسب میز و صندلی‌های کلاس، مشکلات ساختاری کلاس‌ها
پیاده‌سازی، اجرا و عملیاتی نمودن	ضوابط و شرایط اجرا و عملیاتی نمودن	نگاه بومی به برنامه فیک	۲۱	آموزش بر اساس شرایط و خصوصیات بومی مناطق، نگاه راهبردی بومی به برنامه فیک، تأمین منابع آموزشی بومی جهت اجرای فیک
		کمبود مربیان باسواد فلسفی	۲۳	پایین بودن کیفیت سواد فلسفی مجریان فیک، عدم آشنایی کافی مربیان با فیک، نداشتن دید فلسفی در تربیت فراگیران
		مشارکت اولیه جهت اجرای فیک	۱۹	عدم آشنایی کافی اولیه با برنامه فیک، ضرورت آموزش اولیه و شناساندن اهداف فیک به آنان، آماده نمودن اولیه جهت همیاری با مجریان در اجرای برنامه فیک
		ایجاد و توسعه انگیزه و مهارت فراگیران	۲۰	ایجاد و توسعه انگیزه و نگرش زیستی فراگیران، آموزش مهارت‌های زندگی، بالابردن مهارت‌های شناختی - روانی فراگیران و ارتقای مهارت‌های تحصیلی آنان

پس از بررسی و تبیین چالش‌ها و موانع اجرای برنامه فیک در ایران، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا راهکارهای عملی برای

پاسخ به سؤال ۴ پژوهش: راهکارهای تحقق برنامه ی فلسفه برای کودکان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

در این سطح، راهکارهای عملیاتی‌تر برای نهادها و برنامه‌ریزان آموزشی ارائه شد:

مصاحبه‌شونده شماره ۵ اظهار داشت: "ایجاد کارگروه آگاهی‌بخشی ملی نقش بسیار مهمی در تبیین و روشن‌سازی اهداف برنامه فیک و جلب اعتماد دست‌اندرکاران نظام آموزشی و اقشار مختلف اجتماع ایفا خواهد کرد."

مصاحبه‌شونده شماره ۲۹ اشاره داشت: "نگارش و تدوین محتوای بومی فیک همچون استفاده از داستان‌های قرآن، نهج‌البلغه، شاهنامه و... از استلزامات تربیتی این برنامه محسوب می‌گردد." بیشتر مصاحبه‌شوندگان (شامل مصاحبه‌شوندگان ۴، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۲۰ و ۲۵) بر تأسیس بانک محتوای دیجیتال فیک با استفاده از ادبیات بومی ایرانی-اسلامی تأکید داشتند.

مصاحبه‌شونده شماره ۳ عنوان نمود: "بکارگیری نظام ارزیابی کارآمد که مبتنی بر فرایندمحوری و کاربری ابزار و فناوری‌های پیشرفته ارزشیابی است، می‌تواند شرایط و زمینه مقتضی برای ارزشیابی در جهت پیاده‌سازی برنامه فیک در آموزش و پرورش را مهیا سازد."

مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ نیز "طراحی ابزار سنجش تفکر فلسفی کودکان را اجتناب‌ناپذیر می‌داند و آن را در اجرای مؤثر فیک حائز اهمیت می‌داند."

با توجه به راهکارهای ارائه شده در حیطه راهبردی می‌توان گفت که برنامه‌ریزان آموزشی می‌بایست مقدمات لازم در حوزه محتوا، ارزیابی و فرهنگ‌سازی را جهت تحقق اهداف برنامه فیک مهیا سازند.

(ج) راهکارهای سطح خرد (اجرایی و عملیاتی):

این راهکارها مستقیماً معطوف به شرایط مدرسه و کلاس درس هستند:

مصاحبه‌شونده شماره ۲۵ بیان داشت: "با توجه به اینکه اجرای برنامه فیک در کلاس‌های پرجمعیت با چالش‌هایی مواجه است، می‌بایست تدابیری اندیشیده شود تا امکان برگزاری کلاس‌هایی با حداکثر ۱۵ یا ۲۰ نفر مهیا شود."

تحقق این برنامه ارائه نمایند. راهکارهای پیشنهادی در سه سطح کلان، میانی و خرد، متناظر با موانع شناسایی‌شده، دسته‌بندی شدند.

(الف) راهکارهای سطح کلان (سیاست‌گذاری و ساختاری):

برای رفع مهم‌ترین موانع ساختاری، راهکارهای اساسی زیر توسط مصاحبه‌شوندگان ارائه گردید:

مصاحبه‌شونده شماره ۶ اذعان نمود: "می‌بایست کمیته‌ای متشکل از متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی، متخصصان فیک، نخبگان حوزه و دانشگاه و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش تشکیل شود تا سند اجرایی برنامه اسلامی فیک را طراحی و تدوین نمایند تا محتوای بومی و اسلامی متناسب با ارزش‌های دینی و عقاید مذهبی به رشته تحریر در آید."

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ بیان داشت: "در هر استان می‌بایست کارگروه بومی‌سازی فیک تشکیل گردد و مقدمات اجرای این برنامه را فراهم نماید."

همچنین، تعدادی از مصاحبه‌شوندگان (شامل مصاحبه‌شوندگان ۷، ۱۵، ۱۸ و ۲۳) بر اجرایی شدن دوره‌های آموزشی تربیت مربی فیک در دانشگاه فرهنگیان و مراکز تربیت معلم به عنوان راهکاری برای جبران کمبود نیروی ماهر تأکید کردند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۹ گفت: "با توزیع عادلانه بودجه، منابع و امکانات در مناطق محروم و حاشیه شهرها کمک شایانی به اجرای فیک در این مناطق خواهد شد."

مصاحبه‌شونده شماره ۲۲ نیز افزود: "تصویب و گنجاندن برنامه فیک به عنوان یک واحد درسی اختیاری یا برنامه فوق‌العاده در سندهای رسمی وزارت آموزش و پرورش، اولین گام قانونی برای آغاز حرکت است."

با توجه به راهکارهای سیاستی ارائه شده، می‌توان گفت که دست‌اندرکاران آموزش و پرورش می‌بایست با برنامه‌ریزی‌های کلان، زمینه‌های قانونی، مالی و محتوایی لازم را جهت اجرای مؤثر برنامه فیک فراهم آورند.

(ب) راهکارهای سطح میانی (راهبردی):

ساعت خاصی در هفته به فعالیت‌های فیک به عنوان راهکارهای عملیاتی تأکید کردند.

طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان، راهکارهای ارائه‌شده در سه سطح مکمل یکدیگر هستند. موفقیت در گرو اقدام همزمان و هماهنگ در همه سطوح است؛ به گونه‌ای که راهکارهای سطح کلان بستر را فراهم می‌سازد، راهکارهای سطح میانی مسیر را طراحی می‌کند و راهکارهای سطح خرد، برنامه را در عمل محقق می‌سازد. در جدول شماره ۲، راهکارهای اجرای برنامه فیک از منظر مشارکت‌کنندگان به طور خلاصه ارائه گردیده است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ اظهار داشت: "جهت جلب مشارکت والدین نیاز است کارگاه‌های ماهیانه برگزار گردد و آن‌ها در جریان اهداف برنامه فیک و نحوه اجرای آن قرار گیرند و باریگر مجریان این برنامه باشند."

مصاحبه‌شوندگان ۲ و ۱۰ اذعان نمودند: "برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت‌محور، ایجاد محیط یادگیری حمایتی و مشارکتی، آموزش مهارت‌های فراشناختی نقش مهمی در اجرای برنامه فیک دارد."

علاوه بر این، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان (شامل مصاحبه‌شوندگان ۶، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۴، ۲۷، ۲۸ و ۳۰) بر اجرای آزمایشی (پایلوت) برنامه در مدارس منتخب با شرایط کنترل‌شده، استفاده از روش‌های تدریس فعال و تخصیص

جدول ۲. راهکارهای اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در ایران

مقوله محوری اصلی	مقوله فرعی	راهکارها
	عقاید مذهبی	طراحی و تدوین منشور اسلامی فیک مبتنی بر تأکید بر تطابق محتوا با ارزش‌های دینی و فرهنگی
کلان (سیاست‌گذاری)	رویکرد بومی	تشکیل کارگروه بومی‌سازی فیک در هر استان
	کمبود نیروی ماهر	اجرای طرح تربیت مربی فیک در دانشگاه‌های فرهنگیان با حداقل ۳۰۰ ساعت آموزش تخصصی
	محروم بودن مناطق	تخصیص بودجه لازم به مناطق محروم
میانی (راهبردی)	تولید محتوای بومی	تأسیس بانک محتوای دیجیتال فیک با استفاده از ادبیات بومی ایرانی
	نظام ارزشیابی	طراحی ابزار سنجش تفکر فلسفی کودکان
	جلب اعتماد و تبیین اهداف	ایجاد کارگروه آگاهی‌بخشی ملی
خرد (اجرایی)	تراکم جمعیتی	تعیین سقف ۱۵ یا ۲۰ نفره برای کلاس‌های فیک
	مشارکت والدین	برگزاری کارگاه‌های ماهیانه برای اولیا با محوریت اهداف فیک
تقویت و توسعه مهارت‌های دانش‌آموزان		برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت‌محور، ایجاد محیط یادگیری حمایتی و مشارکتی، آموزش مهارت‌های فراشناختی

نتیجه‌گیری و بحث

این پژوهش با هدف شناسایی موانع اجرای برنامه فلسفه برای کودکان (فیک) در نظام آموزش و پرورش ایران و ارائه راهکارهای عملیاتی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد اجرای فیک در ایران با چالشی پیچیده و چندسطحی مواجه است که در سه سطح کلان (سیاست‌گذاری)، میانی (راهبردی) و خرد

(اجرایی) سازمان یافته و این سطوح به‌صورت زنجیره‌ای بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

در سطح کلان، تعارض ادراک‌شده بین میانی فیک با ارزش‌های دینی-فرهنگی کشور، مهم‌ترین مانع ساختاری شناسایی شد. این یافته، تأییدی بر دیدگاه پژوهشگرانی مانند گرگوری و لاورتی (۲۰۲۱) است که بر ضرورت «بومی‌سازی محتوا و روش» در انتقال برنامه‌های آموزشی بین‌فرهنگی تأکید

پیامدهای نظری:

۱. ارائه یک چهارچوب تحلیلی سه‌سطحه (کلان، میانی، خرد) برای تبیین موانع اجرای برنامه‌های نوآورانه آموزشی در سیستم‌های متمرکز، که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. تبیین این نکته که مشکل اصلی در بومی‌سازی فبک، نبود ترجمه فرهنگی (Cultural Translation) است؛ یعنی تبدیل اصول کلی به محتوا، روش تدریس و ابزار ارزشیابی مشخص در بافت جدید.

۳. تقویت ادبیات «فلسفه تعلیم و تربیت تطبیقی» با نشان دادن نقاط تلاقی و افتراق الزامات برنامه فبک با اقتضائات نظام تربیتی ایران.

• پیامدهای عملیاتی (راهکارهای اجرایی):

۱. تدوین سند راهبردی ملی فبک: تشکیل یک کمیته مشترک از متخصصان تربیت اسلامی، فیلسوفان تحلیلگر و مربیان مجرب فبک برای تولید منشور اسلامی-بومی فبک و پیش‌طرح درس ملی.

۲. ایجاد زیرساخت تربیت مربی: تصویب و اجرای دوره‌های تخصصی کوتاه‌مدت و بلندمدت تربیت مربی فبک در دانشگاه فرهنگیان و ارایه مشوق‌های مالی و رتبه‌بندی برای معلمان آموزش‌دیده.

۳. اجرای آزمایشی هوشمند: اجرای پایلوت برنامه در مدارس منتخب با شرایط کنترل‌شده (کلاس‌های ۱۵-۲۰ نفره، معلمان آموزش‌دیده، محتوای آزمایشی بومی) همراه با پژوهش action research همراهی‌کننده برای مستندسازی درس‌آموخته‌ها.

۴. بسته ارتباطی و ارزشیابی: طراحی بسته‌های آگاه‌سازی (نشریه، کلیپ، کارگاه) برای خانواده‌ها و مدیران و هم‌زمان طراحی ابزارهای ارزشیابی کیفی و فرایندمحور (مانند چک‌لیست مشاهده گفت‌وگو) برای جایگزینی یا تکمیل نظام فعلی.

این پژوهش نشان می‌دهد اجرای فبک در ایران نه یک «اقدام روش‌محور» ساده، بلکه یک «اصلاح نظامند» است که نیازمند هماهنگی و اقدام هم‌زمان در سه عرصه نظر، راهبرد و عمل است. موفقیت در گرو آن است که فبک از حاشیه مباحث آکادمیک به متن سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی درسی کشور راه یابد. مطالعه حاضر گامی اولیه در این مسیر است، ولی پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی به طراحی و اعتبارسنجی دقیق ابزارهای بومی (محتوایی و ارزشیابی) و نیز مطالعات طولی برای

می‌کنند. ریشه این چالش را می‌توان در نبود یک چارچوب نظری بومی واسط دانست که بتواند میان فلسفه پرورشی فبک و مبانی فلسفه تربیت اسلامی (با تأکید بر عقلانیت اسلامی و اخلاق‌محوری) پلی ایجاد کند. در نتیجه، برنامه فبک نه به عنوان یک «روش» مکمل، بلکه به صورت یک «محصول» فرهنگی بیگانه می‌شود. همچنین، چالش کمبود نیروی متخصص، که در پژوهش‌های داخلی مانند ماهری و همکاران (۱۴۰۰) نیز به آن اشاره شده، تنها یک کمیت کمی نیست. علت ریشه‌ای آن فقدان زیرساخت نهادی (مانند گنجاندن واحدهای تخصصی فبک در دانشگاه فرهنگیان) و نبود انگیزش اقتصادی-رفاهی برای جذب و حفظ مربیان توانمند است.

در سطح میانی، ضعف در تولید محتوای بومی و نبود نظام ارزشیابی کارآمد، دو مانع راهبردی کلیدی بودند. این یافته با نتایج معارفوند و صادقی که بر چالش‌های آموزشی (محتوایی) تأکید نموده‌اند؛ همچنین ناجی و احتسابی (۱۴۰۲) همسو است که بر خلأ محتوای سازگار با فرهنگ ایرانی-اسلامی اشاره کرده‌اند. تحلیل علی این امر، به شکاف دانشی بین نظریه و عمل بازمی‌گردد؛ پژوهش‌های بنیادی در حوزه تلفیق فلسفه برای کودکان با ادبیات اسلامی وجود دارد، اما این دانش به راهنمای عمل برنامه درسی، کتاب معلم و ابزارهای ارزشیابی فرایندمحور تبدیل نشده است. نظام ارزشیابی کنونی، با تمرکز بر سنجش حافظه (مورفیس، ۲۰۰۸)، در تضاد ذاتی با هدف فبک (سنجش تفکر و گفت‌وگو) قرار دارد و این تناقض ساختاری، هرگونه اقدام عملی را بی‌اثر می‌سازد.

در سطح خرد، تراکم بالای کلاس‌ها و کمبود مربیان باسواد فلسفی، اجرای کیفی برنامه را ناممکن می‌سازد. این یافته با پژوهش معارفوند و صادقی در خصوص چالش تراکم بالای دانش‌آموزان و کمبود امکانات اشاره نمودند و همچنین با پژوهش وونگ و چو (۲۰۲۳) که بر اهمیت نسبت پایین دانش‌آموز به معلم و مهارت مربی در موفقیت فبک تأکید کردند، مطابقت دارد. علت این چالش فقط کمبود بودجه یا نیرو نیست، بلکه ناشی از اولویت‌بندی نادرست در سیاست‌های کلان است. زمانی که «پوشش تحصیلی» و «کمیت» بر «کیفیت تربیتی» اولویت دارد، کلاس‌های پرجمعیت و آموزش‌های فشرده‌ی سطحی، اجتناب‌ناپذیر می‌شوند. مقاومت خانواده‌ها نیز عمدتاً ناشی از عدم اطلاع‌رسانی سیستماتیک و غیرفعال بودن سازوکارهای مشارکت مدرسه-خانه است، نه لزوماً مخالفت ذاتی با پرورش تفکر در فرزندان.

پیامدهای نظری و عملیاتی پژوهش:

مشارکت های نویسندگان

نویسندگان در این اثر پژوهشی با هم مشارکت داشته اند.

تأمین مالی

کلیه هزینه های این پژوهش توسط نویسنده تأمین شده است.

شفافیت

این مقاله در جای دیگری منتشر نشده و همزمان به نشریه دیگری ارائه نشده است.

سنجش تاثیر راهکارهای پیشنهادی بر مهارت‌های فکری و اخلاقی دانش‌آموزان بپردازند.

دسترسی به داده ها

دسترسی دیگری جهت دریافت اطلاعات اضافی وجود دارد.

تعارض منافع

بنابراظره‌ارنویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

- Ahmadi haji, O. Hadipour, S.T. Aghili, S.T. (2025). The Function of Visual Arts in the Context of Photography to Enhance Critical Thinking Among High School Students with an Emphasis on the Steam Educational Approach, *Technology and Scholarship in Education*, 5 (2), 39-5. [In Persian]
- Farmahini Farahani, M. Mirzamohammadi, M. H & Kharastani, I. (2008). Tabiin-e tatbiqi-ye ahdāf-e āmuzesh-e falsafeh be kudakān dar keshvar-hā-ye mokhtalef [A comparative explanation of the goals of teaching philosophy to children in different countries]. *Hekmat va Falsafeh [Wisdom and Philosophy]*, 4(4), 45–70. [In Persian]
- Khoshkhui, M & Aznab, A. (2015). Barresi-ye meqdār-e tavajjoh be mo'alefehā-ye tafakkor-e falsafi dar sanad-e barnāme-ye darsī-ye melli-e āmuzesh va parvareh-e jomhuri-ye eslāmi-ye Irān [Investigating the attention to components of philosophical thinking in the National Curriculum Document of the Islamic Republic of Iran]. *Majalleh-ye Tafakkor va Koudak [Journal of Thinking and Child]*, 6(2), 37–62. [In Persian]
- Khalili, M & Norouzi, R. (2022). Tabiin-e mabāni-ye falsafeh barāye kudakān bā ta'kid bar āmūzeh-hā-ye tarbiyati-ye Eslām va arāyeh-ye olgou-ye ejrāi [Explaining the foundations of philosophy for children with emphasis on Islamic educational teachings and presenting an executive model]. *Pazhouhesh dar Masā'el-e Ta'lim va Tarbiyat-e Eslami [Research in Issues of Islamic Education]*, 30(3), 75–94. [In Persian]
- Khadiwi, A & Seyd-Kalan, S. M. (2012). Pīsh-namād-negarī-ye barnāme-ye falsafeh barāye kudakān dar āmūzesh-e ebteḏā'i-ye Irān [Phenomenology of the philosophy for children program in Iranian primary education]. *Majalleh-ye Pazhouhesh-hā-ye Falsafi [Journal of Philosophical Research]*, 16(38), 29–61. [In Persian]
- Sattari, A. (2023). Āmūzesh-e tafakkor be kudakān va noujavānān [Teaching thinking to children and adolescents]. Tehran: SAMT Publications. [In Persian]
- Mohammadpour, A. (2023). Tarrahi-ye olgu-ye P4C barāye keshvar-hā-ye eslāmi [Designing a P4C model for Islamic countries]. *Pazhouhesh dar Masā'el-e Ta'lim va Tarbiyat-e Eslami [Research in Issues of Islamic Education]*, 11(4), 112–130. [In Persian]
- Mahri, S. Araqiye, Qaedi, Y. Mahdizadeh & Pari. (2021). Shenāsāyi-ye chālesh-hā-ye āmūzesh-e falsafeh barāye kudakān az nazar-e morabbīyān-e pīsh-dabestānī: yek motāle'eh-ye pīdīdār-shenākhteh [Identifying the challenges of teaching philosophy for children from the perspective of preschool teachers: A phenomenological study]. *Tafakkor va Koudak [Thinking and Child]*, 23(12), 261–287. [In Persian]
- Marashi, S. M. Bagheri, K & Norouzi, R. (2007). Barresi-ye tasir-e barname-ye fabek bar maharat-haye tafakkor-e danesh-amuzan [Investigating the effect of the P4C program on students' thinking skills]. *Faslname-ye Ravanshenasi-ye Tarbiyati Journal of*

- Educational Psychology, 3(2), 95-112. [In Persian]
- Maarefvand, Z & Sadeghi, N.(2025). Identifying Obstacles to Implementing Technical and Skills Training in Elementary School and Providing Solutions for it. *Technology and Scholarship in Education*, 5(2), 127-143. . [In Persian]
- Sanad-e Tahavol-e Bonyadin-e Amuzesh va Parvaresh [The Fundamental Transformation Document of Education]. (2011). Daftar-e Motale'eh va Tadavom-e Sazman-e Tajdid-e Nazar va Roshd-e Amuzesh va Parvaresh [Office for the Study and Sustainability of the Organization for Educational Renovation and Development]. [In Persian]
- Shahri, A. Iran, M. Heshmati, V & Parvin. (2023/1402). Asar-bakhshi-ye âmuzesh-e falsafeh barâye kudakân va mahârat-hâye farâshenâkht bar afzâyesh-e sâzgâri-ye ejtemâ'i va kâr-kard-e dânesht-âmuzân-e talâgh [The effectiveness of teaching philosophy for children and metacognitive skills on increasing social adjustment and academic performance of students from divorced families]. *Âmuzesh-e Pazhouheshi [Educational Research]*, 9(34), 49-62. [In Persian]
- Alhashmi, M & Bakali, N. (2023). Islamic Pedagogy and Critical Thinking: Integrating P4C in Muslim Education. *International Journal of Educational Development*, 98, 102741.
- Braun, V & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Daniel, M. F. (2021) "In the Footsteps of Matthew Lipman: Dialogue among Peers and Dialogical Thinking". *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, 41(1): 62-79.
- Farahani, M. F. (2014). The study on challenges of teaching philosophy for children. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 2141-2145.
- Fisher, R. (1998). Teaching thinking: Philosophical enquiry in the classroom. Continuum
- Gregory, M & Lavery, M. (2021). Philosophy for Children and Islamic Education: A Cross-Cultural Dialogue. *Journal of Philosophy in Schools*, 8(1), 22-40.
- Gruioniu, O. (2013). The philosophy for children, an ideal tool to stimulate the thinking skills. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 76, 378-382.
- Lone, J. M. (2022). Philosophy for children. A companion to public philosophy journal, 14(3), 325-336.
- Lipman, M. (2003). Thinking in education (2nd ed.), Cambridge University Press.
- Lipman, Mathew. (1980). Philosophy in the Classroom, U.S.A.: Tample University Press.
- Shepherd, N & Mhlanga, D. (2014) "Philosophy for children: A Model for Unhu/ Ubuntu Philosophy". *International Journal of Scientific and Research Publications*, Vol. 4, Issue 2, Lupane State University.
- Wong, B & Chiu, M. M. (2023). The impact of philosophical dialogue on creativity in Singapore. *Journal of Philosophy for Children*, 12 (2).
- Zulkifli, H & Hashim, R. (2020). Philosophy for children (P4C) in improving critical thinking in a secondary moral education class. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 19(2), 29-45.